بسمه تعالی

**موضوع**: واجبات رکوع /رکوع /صلاه

فهرست مطالب:

[ادامه مساله 8 1](#_Toc138714223)

[کلام محقق سیستانی 3](#_Toc138714224)

[راه حل های رفع تعارض 6](#_Toc138714225)

[یک: کلام محقق همدانی 6](#_Toc138714226)

[راه دوم: مخالفت با عامه 6](#_Toc138714227)

[راه حل سوم: محقق خوئی 7](#_Toc138714228)

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته ادامه مساله 8 مطرح شد. مقتضای روایات مورد بررسی قرار گرفت اشکالات به اطلاق روایات از بروجردی مطرح شد و در آخر جلسه فرض سوم از مساله 8 که تذکر نسیان رکوع بعد از دخول در سجده ثانیه مورد بررسی قرار گرفت.

# ادامه مساله 8

بحث در این است که بعد از دخول در سجده ثانیه، یادش آمد که رکوع را فراموش کرده است، ما هم با مشهور موافقت کردیم در اینکه نماز باطل است.

محقق بروجردی در جلد 7 تبیان الصلاه ص 55 فرمودند: اگر بتواند رکوع را تدارک کند و سجدتین را بجا بیاورد، نماز صحیح است.

صحیحه رفاعه «عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يَرْكَعَ حَتَّى يَسْجُدَ وَ يَقُومَ قَالَ يَسْتَقْبِلُ»[[1]](#footnote-1) یا معتبره اسحاق بن عمار «عَنِ الرَّجُلِ يَنْسَى أَنْ يَرْكَعَ قَالَ يَسْتَقْبِلُ حَتَّى يَضَعَ كُلَّ شَيْ‌ءٍ مِنْ ذَلِكَ مَوَاضِعَهُ»[[2]](#footnote-2) محتمل است به معنای استیناف نماز نباشد، بلکه شاید به معنای یستقبل رکوع باشد؛ یعنی رکوع را تدارک می کند و بعد سجدتین را تکرار می کند.

محقق سیستانی اگرچه در مقام فتوا، فتوا نمی دهند اما در مقام استدلال با محقق بروجردی هم مسلک است حتی از ایشان جلوتر هم رفته اند؛ چون محقق بروجردی فرمودند: یستقبل، محتمل الوجهین است که مستقبل الصلاه یا یستقبل الرکوع اما محقق سیستانی فرمودند: ظاهرش یستقبل الرکوع است و استقبل یعنی برمی گردد و رویش را به پشت سر می کند؛ یعنی رکوع را تدارک می کند.

به نظر ما نه احتمال محقق بروجردی و نه ظهور محقق سیستانی، عرفی نیست و ظاهر یستقبل استقبال نماز است و ظاهرش از سرگیری نماز است.

در مورد صحیحه ابی بصیر «إِذَا أَيْقَنَ الرَّجُلُ أَنَّهُ تَرَكَ رَكْعَةً مِنَ الصَّلَاةِ وَ قَدْ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ وَ تَرَكَ الرُّكُوعَ اسْتَأْنَفَ الصَّلَاةَ»[[3]](#footnote-3) محقق بروجردی فرمودند: ترک رکعه برای بعد از نماز است؛ چون تا قبل از اتمام نماز، ترک رکعه صدق نمی کند.

در مورد روایت محمد بن سنان «عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يَرْكَعَ قَالَ عَلَيْهِ الْإِعَادَةُ»[[4]](#footnote-4) محقق بروجردی فرمودند: ظاهر روایت این است که نسیان رکوعی که موجب اعاده نماز می شود، مراد است؛ چون ظاهر نسی ان یرکع این است که نسیانش تا زمان فوت محل تدارک ادامه داشته است.

صحیحه محمد بن مسلم می گوید: «فَإِنِ اسْتَيْقَنَ أَنَّهُ لَمْ يَرْكَعْ فَلْيُلْقِ السَّجْدَتَيْنِ اللَّتَيْنِ لَا رُكُوعَ لَهُمَا وَ يَبْنِي عَلَى صَلَاتِهِ»[[5]](#footnote-5) کسی که رکوع را فراموش کند و سجدتین را بجا بیارود، باید سجدتین را القا کند و رکوع را تدارک کند؛ یعنی امکان تدارک وجود دارد و این صحیحه محمد بن مسلم یا حاکم و یا وارد بر محمد بن سنان است؛ چون روایت محمد بن سنان می گوید: نسی ان یرکع ظاهرش ادامه نسیان تا گذشت محل تدارک رکوع است اما روایت صحیحه محمد بن مسلم می گوید: تا امکان تدارک رکوع است یعنی تا زمانی که اتیان منافی مثل استدبار قبله، احداث حدث نکرده است، برگردد و رکوع را تدارک کند و سجدتین را انجام دهد و محل تدارک رکوع نگذشته است.

ممکن است گفته شود که صحیحه ابی بصیر که می گوید: نماز را استیناف کند ولو برای بعد از اتمام نماز است اما با صحیحه محمد بن مسلم که می گوید: سجدتین را القا کند و رکوع را تدارک کند و نماز صحیح است باهم تعارض می کنند؟

محقق بروجردی بین این دو روایت جمع عرفی کردند به این بیان که هر کدام نص در یک مطلب و ظهور در مطلب دیگر دارند که به نصوصیت و قدر متیقن هر کدام اخذ می شود، صحیحه ابی بصیر نص است در اینکه استیناف نماز در فرضی است که اتیان منافی کرده است و صحیحه محمد بن مسلم هم قدر متیقن از تدارک برای جایی است که اتیان منافی نکرده است.

## کلام محقق سیستانی

محقق سیستانی هم با یک اختلافی کلام محقق بروجردی را مطرح کردند:

ایشان راجع به صحیحه رفاعه و معتبره اسحاق بن عمار استظهار کردند که یستقبل یعنی یستقبل الرکوع اما صحیحه ابی بصیر هم مجمل است (همان بیان محقق بروجردی) که ترک رکعه اگر به معنای ترک رکعت کامله باشد نه ترک رکوع باشد، ظاهرش این است که بعد از نماز ملتفت شده است و الا در اثناء نماز که ترک رکعت صدق نمی کند بعد ایشان فرمودند: به سه روایت تمسک می کنیم که از نظر فنی معتقدیم نمازی که بعد از سجدتین متذکر فراموشی رکوع می شود تا اتیان منافی نکند، قابل تصحیح است:

یک: صحیحه ابن سنان

«إِذَا نَسِيتَ شَيْئاً مِنَ الصَّلَاةِ رُكُوعاً أَوْ سُجُوداً أَوْ تَكْبِيراً- ثُمَّ ذَكَرْتَ فَاصْنَعِ الَّذِي فَاتَكَ سَوَاءً»[[6]](#footnote-6)

این روایت ظاهرش این است که همان رکوع را تدارک کند، البته اقتضا ترتیب این است که سجدتین را بعد آن تدارک کند.

دو: صحیحه عیص

«رَجُلٍ نَسِيَ رَكْعَةً مِنْ صَلَاتِهِ- حَتَّى فَرَغَ مِنْهَا ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّهُ لَمْ يَرْكَعْ- قَالَ يَقُومُ فَيَرْكَعُ يَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ»[[7]](#footnote-7)

مفاد این روایت مثل روایت محمد بن مسلم است، نسیان رکعت یعنی نسیان رکوع و بعد از نماز متذکر شده است، کانّه این شخص برای یکی از رکعات نمازش رکوع را که ترک کرده و سجدتین به جا آورده، یک رکعتی خوانده است که رکوع نداشته است و سجدتین او هم بی جا بوده است که در این صورت تدارک می کند.

البته تهذیب در جلد 2 ص 149 در انتهای روایت می گوید: «وَ يَسْجُدُ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ»[[8]](#footnote-8) که این نقل هم اشکال ندارد و سجده سهو بخاطر آن سلام زائد است که بجا می آورد.

اما ایشان فرمودند: عمده صحیحه محمد بن مسلم است که مفادش این است:

«رَوَى الْعَلَاءُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع- فِي رَجُلٍ شَكَّ بَعْدَ مَا سَجَدَ أَنَّهُ لَمْ يَرْكَعْ فَقَالَ يَمْضِي فِي صَلَاتِهِ حَتَّى يَسْتَيْقِنَ أَنَّهُ لَمْ يَرْكَعْ فَإِنِ اسْتَيْقَنَ أَنَّهُ لَمْ يَرْكَعْ فَلْيُلْقِ السَّجْدَتَيْنِ اللَّتَيْنِ لَا رُكُوعَ لَهُمَا وَ يَبْنِي عَلَى صَلَاتِهِ الَّتِي عَلَى التَّمَامِ فَإِنْ كَانَ لَمْ يَسْتَيْقِنْ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا فَرَغَ وَ انْصَرَفَ فَلْيَقُمْ وَ لْيُصَلِّ رَكْعَةً وَ سَجْدَتَيْنِ وَ لَا شَيْ‌ءَ عَلَيْهِ‌»[[9]](#footnote-9)

ظاهر «وَ لْيُصَلِّ رَكْعَةً وَ سَجْدَتَيْنِ» این است که رکوع را و دو سجده را بجا بیاورد یعنی حتی بعد از فراغ از نماز هم متوجه شد باید رکوع و دو سجده را تدارک کند، البته اگر بعد از فراغ از نماز باشد، باید بعد از دو سجده تشهد و سلام را بخواند و دو سجده سهو هم بجا بیاورد.

محقق سیستانی در ادامه فرمودند: ادعا نشود که اصحاب از این صحیحه محمد بن مسلم اعراض کردند که محقق همدانی ادعا کردند، بلکه اعراض اصحاب ثابت نیست.

تفاوت کلام محقق سیستانی با محقق بروجردی این است که محقق بروجردی در رفع تعارض بین صحیحه محمد بن مسلم و صحیحه ابی بصیر به قدر متیقن هر کدام اخذ کردند که قدر متیقن از صحیحه محمد بن مسلم، قبل از اتیان منافی است و قدر متیقن از صحیحه ابی بصیر، بعد از اتیان به منافی است؛ شبیه بیانی که در جمع بین ثمن العذره سحت و لاباس بثمن العذره.

محقق سیستانی این نوع جمع ها رو تبرعی می دانند و قبول نمی کنند؛ لذا فرمودند: روایت ابی بصیر که صلاحیت معارضه با این همه روایت را ندارد.

سوال این است که چرا صلاحیت معارضه ندارد؟ اگر جمع تبرعی محقق بروجردی را قبول ندارید، به چه بیانی قائلید که روایت ابی ابصیر صلاحیت معارضه ندارد؟

صحیحه ابی بصیر به اطلاقش می گوید: استیناف نماز کند و شما حمل بر ما بعد نماز کردید، صحیحه محمد بن مسلم هم مربوط به مابعد نماز است؛ چون می گفت: «فَإِنْ كَانَ لَمْ يَسْتَيْقِنْ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا فَرَغَ وَ انْصَرَفَ فَلْيَقُمْ وَ لْيُصَلِّ رَكْعَةً وَ سَجْدَتَيْنِ» این روایت هم به لحاظ بعد از نماز گفت: نماز صحیح است و رکوع و سجدتین را تدارک کند، صحیحه ابی بصیر را هم نهایتا حمل بر مابعد از فراغ از نماز حمل می شود که تعارضش با این روایت محمد بن مسلم برطرف نمی شود.

محقق سیستانی عبارتی دارند که شاید نکته عدم صلاحیت تعارض را بیان می کند:

ایشان می فرمایند: روایت ابی بصیر شاید در مقام توهم حظر است که می گوید: استانف الصلاه؛ چون عامه می گویند: همین نماز صحیح است و حق ندارد نماز را اعاده کند و باید همین نماز را بعد از تکبیره الاحرام گفتن، اتمام کند؛ لذا اگر رکوع را فراموش کرده و سجدتین را انجام داده باید برگردد و رکوع را تدارک کند و سجدتین را تکرار کند و حق استیناف نماز را ندارد، شاید صحیحه ابی بصیر می خواهد این عدم جواز اعاده را بشکند و حق اعاده نماز را به مکلف می دهد و امر در مقام توهم حظر است که ظهور در وجوب ندارد، یعنی اگر مکلف خواست طبق صحیحه محمد بن مسلم می تواند برگردد و رکوع را تدارک کند و نماز را کامل کند و مجاز هم هستند که نماز را استیناف کنند و عامه اشتباه می کنند که می گویند مجاز به استیناف نیستند.

این بیان محقق سیستانی در نتیجه شبیه بیان محقق بروجردی است که نماز فردی که رکوع را بعد از دو سجده متذکر می شود، باطل نیست مگر اینکه از باب احتیاط واجب که نمی خواهند بر خلاف مشهور فتوا بدهند و معتقدند که اعراض مشهور از محمد بن مسلم ثابت نیست و شیخ طوسی در تهذیب و استبصار طبق این صحیحه فتوا داده منتهی صحیحه را حمل بر نسیان رکوع در دو رکعت اخیر نماز های چهار رکعتی کرده اند و این اعراض نیست، بلکه یک نوع جمع بین روایات است.

به نظر ما این کلام محقق سیستانی قابل مناقشه است:

اینکه فرمودند: شاید صحیحه ابی بصیر امر در مقام توهم حظر باشد؛ انصافا این خلاف ظاهر است؛ چون در صحیحه ابی بصیر آمده است: «إِذَا أَيْقَنَ الرَّجُلُ أَنَّهُ تَرَكَ رَكْعَةً مِنَ الصَّلَاةِ وَ قَدْ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ وَ تَرَكَ الرُّكُوعَ اسْتَأْنَفَ الصَّلَاةَ»[[10]](#footnote-10) همانطوری که در این نماز توهم لزوم تدارک رکوع هست، همانطور هم توهم بطلان نماز است و این فرض دارای دو احتمال و دو توهم است و هر گاه امر فقط در مقام توهم حظر باشد، مثل ﴿وَ إِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا﴾[[11]](#footnote-11) در این موارد امر ظهور در وجوب ندارد اما گاهی توهم وجوب و حرمت هر دو هست، در این موارد امر ظهور در وجوب دارد، مثل روایات قاعده تجاوز «سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ شَكَّ بَعْدَ مَا سَجَدَ أَنَّهُ لَمْ يَرْكَعْ- قَالَ يَمْضِي فِي صَلَاتِهِ»[[12]](#footnote-12) بعضی گفته اند که امر در مقام توهم حظر است و مفاد این روایات این است که می تواند این سجود مشکوک را تدارک کند اما تدارک لزومی ندارد اما به نظر ما این امر در مقام توهم حظر به تنهایی نیست، بلکه همانطور که احتمال دارد که این تدارک سجود مشکوک واجب باشد، همانطور احتمال دارد که این تدارک حرام باشد؛ چون موجب زیاده مبطله در نماز می شود، در این موارد یمضی ظهورش در وجوب تمام است و مانعی از ظهور در وجوب نیست.

در مساله ما هم این گونه است، همانطور که احتمال دارد کلام عامه صحیح باشد که رکوع و سجود این نماز را تدارک کند و نماز را استیناف نکند، همانطور احتمال دارد استیناف نماز واجب باشد و این نماز قابل تصحیح نیست و در این موارد یستانف الصلاه ظهور در وجوب دارد ولذا معتقدیم که صحیحه محمد بن مسلم با صحیحه ابی بصیر جمع عرفی ندارد و تعارض بین این دو صحیحه مستقر است و اعراض مشهور از صحیحه محمد بن مسلم هم ثابت نیست؛ چون شیخ طوسی ولو فی الجمله به مضمون‌ آن فتوا داده است.

### راه حل های رفع تعارض

برای رفع این تعارض راه حل هایی مطرح شده است:

#### یک: کلام محقق همدانی

محقق همدانی فرمودند: در موارد دیگر تعارض را اینگونه حل می کنیم که آن روایتی که امر به کار سخت تر می کند، حمل بر استحباب می شود و آن روایتی که امر به کار اسهل می کند، حمل بر جواز اختیار اسهل می شود؛ در این مساله هم صحیحه محمد بن مسلم می گوید: با تدارک رکوع نماز صحیح است و ظاهر صحیحه ابی بصیر این است که استیناف نماز واجب است که این وجوب حمل بر استحباب می شود و صحیحه محمد بن مسلم نص در عدم وجوب استیناف نماز است، جمع عرفی، حمل ظهور صحیحه ابی بصیر در وجوب بر استحباب است.

این راه حل محقق همدانی تمام نیست؛ چون مفاد صحیحه ابی بصیر، خطاب ارشادی است و مفادش الصلاه باطله است و مفاد صحیحه محمد بن مسلم هم خطاب ارشادی است که مفادش الصلاه صحیحه و یمکن التدارک بالاعاده الرکوع است؛ دو خطابی که یکی می گوید: یستانف الصلاه یعنی یعید الصلاه؛ چون ارشاد به بطلان است و دیگری می گوید: لایعید الصلاه، این دو خطاب جمع عرفی ندارند. استحباب استیناف در نظر عرف معهود نیست؛ چون اگر نماز صحیح است و با تدارک مشکل حل می شود، استحباب اعاده برای چیست؟ و اگر نماز باطل است، استحباب اعاده چه معنایی دارد؟ باید اعاده شود؛ لذا استحباب اعاده در نظر عرف معهود نیست تا محک برای جمع عرفی باشد.

#### راه دوم: مخالفت با عامه

صحیحه محمد بن مسلم موافق عامه است و صحیحه ابی بصیر مخالف عامه است؛ چون عامه قائلند که این نماز صحیح است ولو بعد از نماز ملتفت شود که رکوع را فراموش کرده است، و طبق مفاد خذ بما خالف العامه باید به صحیحه ابی بصیر اخذ کرد.

در کتاب مغنی ابن قدامه ج 2 ص 22 آمده است:

«الصُّورَةُ الثَّانِيَةُ: قَامَ مِنْ السَّجْدَةِ الْأُولَى، وَلَمْ يَجْلِسْ لِلْفَصْلِ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ، فَهَذَا قَدْ تَرَكَ رُكْنَيْنِ؛ جَلْسَةَ الْفَصْلِ، وَالسَّجْدَةَ الثَّانِيَةَ. فَلَا يَخْلُو مِنْ حَالَيْنِ: أَحَدُهُمَا، أَنْ يَذْكُرَ قَبْلَ الشُّرُوعِ فِي الْقِرَاءَةِ، فَيَلْزَمَهُ الرُّجُوعُ. وَهَذَا قَوْلُ مَالِكٍ وَالشَّافِعِيِّ وَلَا أَعْلَمُ فِيهِ مُخَالِفًا ........ وَهَكَذَا الْحُكْمُ فِي تَرْكِ رُكْنٍ غَيْرِ السُّجُودِ مِثْلِ الرُّكُوعِ، أَوْ الِاعْتِدَالِ عَنْهُ؛ فَإِنَّهُ يَرْجِعُ إلَيْهِ مَتَى ذَكَرَهُ، قَبْلَ الشُّرُوعِ فِي قِرَاءَةِ الرَّكْعَةِ الْأُخْرَى، فَيَأْتِي بِهِ، ثُمَّ بِمَا بَعْدَهُ لِأَنَّ مَا أَتَى بِهِ بَعْدَهُ غَيْرُ مُعْتَدٍّ بِهِ؛ لِفَوَاتِ التَّرْتِيبِ»

اگر کسی رکوع را فراموش کرد تا شروع در قرائت رکعت بعد نکند، باید برگردد و رکوع را تدارک کند و سجدتین را اتیان می کند و نماز را ادامه می دهد.

صحیحه محمد بن مسلم موافق عامه می شود؛ چون ظاهر کلام ابن قدامه این است که این قول برای عامه است لذا گفت و لااعلم فیه مخالفا.

#### راه حل سوم: محقق خوئی

صحیحه محمد بن مسلم خبر ظنی الصدور است و مخالف با خبر قطعی الصدور است و مخالف با سنت قطعیه می شود.

محقق خوئی مبنایشان این است که اگر یک خبر قطعی الصدور باشد ولو اجمالا تواتر دارد که موجب قطع به صدور می شود، خبر مخالف این خبر قطعی الصدور، خبر مخالف سنت قطعیه محسوب می شود و طبق مفاد «خذ بما وافق الکتاب و السنه و دع ما خالف الکتاب و السنه» باید مردود شود.

روایاتی که مفادش مخالف صحیحه محمد بن مسلم است، چند روایات بود:

یک: صحیحه ابی بصیر

دو: صحیحه رفاعه

سه: معتبره اسحاق بن عمار

چهار: روایت محمد بن سنان

از مجموع این چهار روایت که برخی ضعف سندی دارند، قطع به صدور حاصل می شود و لذا این خبر محمد بن مسلم مخالف سنت قطعیه می شود.

این بیان محقق خوئی را باید تکمیل کرد:

روایاتی که می گوید خبر مخالف کتاب مردود است، در این روایات کتاب خصوصیت ندارد الا از این جهت که کتاب، کلام قطعی الصدور از جانب خداست و احتمال تقیه هم در آن وجود ندارد و الا کتاب قطعی الدلاله نیست؛ پس قطعی الصدور و قطعی الجهه است و اگر خبری باشد که مثل کتاب قطعی الصدور و قطعی الجهه باشد، عرف از آن القاء خصوصیت می کند و برای تشخیص حق و باطل فرقی بین کتاب و خبر قطعی الصدور و قطعی الجهه نیست؛ لذا این روایات وقتی قطعی الصدور و قطعی الجهه است (احتمال تقیه در این دسته از روایات نیست؛ چون مخالف عامه است، عامه قائل به صحت نماز بودند اما این روایات می گوید نماز را اعاده کند) و صحیحه محمد بن مسلم، مخالف این روایات است، باید طرح شود.

در تهذیب روایتی نقل شده است:

«عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَاطِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع ....... وَ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَنْسَى الرُّكُوعَ أَوْ يَنْسَى سَجْدَةً هَلْ عَلَيْهِ سَجْدَةُ السَّهْوِ قَالَ لَا قَدْ أَتَمَّ الصَّلَاةَ»[[13]](#footnote-13)

ممکن است گفته شود که این روایت موافق با محمد بن مسلم است.

اما این بیان صحیح نیست؛ چون در این موثقه مفروض گرفته است که نماز صحیح است و فقط از وجوب سجده سهو سوال می کند و الا اگر مشکل جدی ایجاد می کرد، باید اول سوال از صحت نماز می کرد پس معلوم می شود که یک فرضی را راوی سوال می کرده است که خودش می دانسته که نسیان رکوع مشکلی ایجاد نمی کند مثل اینکه قبل از سجدتین ملتفت نسیان شده است.

اگر هیچ کدام از این جمع های عرفی هم مورد پذیرش نباشد، در نهایت تعارض و تساقط و باید به قاعده اولیه رجوع شود که قاعده اولیه اقتضای بطلان نماز را دارد؛ چون اگر سجدتین را تدارک نکند، سجدتین در محل خودش نبوده است و اگر سجدتین را تدارک کند، زیاده سجدتین لازم می آید و معتقدیم که زیاده سهویه رکن مبطل است.

1. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص348.](http://lib.eshia.ir/11005/3/348/%DB%8C%D8%B3%D8%AA%D9%82%D8%A8%D9%84) [↑](#footnote-ref-1)
2. - الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج‌1، ص: 356 [↑](#footnote-ref-2)
3. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص149.](http://lib.eshia.ir/10083/2/149/%D8%B3%D8%AC%D8%AF%D8%AA%DB%8C%D9%86) [↑](#footnote-ref-3)
4. - الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج‌1، ص: 356 [↑](#footnote-ref-4)
5. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص346.](http://lib.eshia.ir/11021/1/346/%D9%81%D9%84%DB%8C%D9%84%D9%82) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص316، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/316/%D8%B1%DA%A9%D9%88%D8%B9%D8%A7) [↑](#footnote-ref-6)
7. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص350.](http://lib.eshia.ir/10083/2/350/%D8%B3%D8%AC%D8%AF%D8%AA%DB%8C%D9%86%20) [↑](#footnote-ref-7)
8. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص149.](http://lib.eshia.ir/10083/2/149/%D8%B3%D8%AC%D8%AF%D8%AA%DB%8C%20) [↑](#footnote-ref-8)
9. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص346.](http://lib.eshia.ir/11021/1/346/%D9%81%D9%84%DB%8C%D9%84%D9%82) [↑](#footnote-ref-9)
10. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص149.](http://lib.eshia.ir/10083/2/149/%D8%B3%D8%AC%D8%AF%D8%AA%DB%8C%D9%86) [↑](#footnote-ref-10)
11. سوره مائده، آيه 2. [↑](#footnote-ref-11)
12. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص318، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/318/%DB%8C%D9%85%D8%B6%DB%8C) [↑](#footnote-ref-12)
13. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص353.](http://lib.eshia.ir/10083/2/353/%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%87%D9%88) [↑](#footnote-ref-13)